

# سیاست، حکومت و عدالت در شعر پروین اعتصامی

دکتر حمید احمدی\*

## چکیده

هدف این پژوهش، بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی شعر پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر ایران است. پروین نه تنها در مقایسه با تمامی زنان شاعر معاصر ایران بلکه در مقایسه با بسیاری از شاعران مرد این دوران نیز، بیش از همه به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته است. یکی از ویژگی‌های عمده و غالب سیاسی - اجتماعی شعر پروین، برتری عدالت اجتماعی بر آزادی‌های سیاسی است. باین‌همه، شعر پروین بازتاب دیدگاه‌های متضاد و متناقض او درباره مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی نیز هست. نویسنده بر آن است که این تناقض از تأثیرات همزمان بستر اجتماعی و جریان‌های سیاسی اجتماعی عصر او از یک سو، و

---

\* استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران (hahmadi@ut.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۲۵

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۵۴-۳۷.

جلوه‌های فرهنگی میراث ادبی و به‌ویژه میراث عرفانی و صوفیانه ایران از  
سوی دیگر، ناشی می‌شود.  
واژه‌های کلیدی: شعر معاصر، عدالت اجتماعی، آزادی سیاسی. عرفان

### مقدمه

شعر پروین اعتصامی که همراه فروغ فرخزاد، از بزرگ‌ترین شاعران زن تاریخ ایران به شمار می‌رود، از جنبه‌های گوناگون ادبی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه به‌ویژه جنبه‌های اخلاقی شعر او مورد توجه بوده، چراکه کاربرد تمثیل‌های فراوان اخلاقی که عمدتاً نیز به شکل گفتگو میان اشیا، حیوانات و انسان‌ها جلوه‌گر می‌شود، او را بیش از هر شاعر دیگر فارسی‌زبان به نماینده پیام‌های اخلاقی و تربیتی تبدیل کرده است. همین نکته سبب شده تا منتقدان و مفسران شعر پروین، مضامین معنوی، اخلاقی و تربیتی او را که در قالب قصیده و قطعه بیان شده، بیش از هر جنبه دیگر مد نظر قرار دهند.

با این همه، شعر پروین اعتصامی از جنبه‌های دیگری نیز قابل بررسی است که در میان دیگر شاعران ایران به‌ویژه شاعران زن، کمتر به چشم می‌خورد. در این میان ابعاد سیاسی شعر او بیش از سایر جنبه‌ها، به‌ویژه با توجه به نادیده گرفتن بعد مذکور، قابل توجه و شایسته نقد و بررسی است. بی‌گمان می‌توان گفت مواضع و دیدگاه‌های سیاسی پروین بیش از هر جنبه دیگری به فراموشی سپرده شده و یا به آن بی‌توجهی شده است. البته باید به ذکر این نکته مهم پرداخت که اصولاً سیاست و مسائل سیاسی در مطالعات ادبی در ایران جایگاه چندانی نداشته و بررسی جنبه‌های سیاسی اشعار شاعران دیگر نیز کمتر به بحث و بررسی و نقد گذاشته شده است.

اگر مسائل اجتماعی را بستر تحولات سیاسی در نظر بگیریم و دامنه سیاست و قدرت را گسترش دهیم، می‌توان گفت این اهمال یعنی نادیده‌گیری بُعد سیاست در آثار ادبی و منظوم به‌ویژه در اشعار کلاسیک، لطمه شدیدی به درک معانی پنهان در لابه‌لای کلمات مندرج در شعر شاعران بزرگ و کوچک وارد ساخته است. بسیاری

از این شاعران زندگی انزوطلبانه نداشته و در متن اجتماع و فرازونشیب‌های آن میزیسته‌اند و شعر آنها بدون شک بازتاب این رویدادها و تحولات نیز بوده است. از همین روست که در علوم اجتماعی به‌ویژه در عرصه اندیشه، پژوهشگران بر اهمیت درک بستر اجتماعی برای فهم بهتر اندیشه تأکید کرده‌اند. این امر بدون شک در بحث‌های ادبی و بررسی آثار شاعران به‌ویژه در ایران و جوامعی نظیر آن که در معرض فشارهای بیرونی و درونی بوده‌اند و شاعران به‌ناچار اندیشه‌های خود را در لابه‌لای مضامین پیچیده و استعاره‌های گوناگون بیان می‌کرده‌اند، اهمیت پیدا می‌کند. برای نمونه درک زمانهٔ حافظ و سعدی و رویدادهای ریز و درشت شهر شیراز توانسته بسیاری از معانی پنهان در اشعار آنها را باز گشاید. به همین دلیل است که کتاب در کوچه رندان (عبدالحسین زرین‌کوب) که به بررسی اوضاع و احوال شیراز و فارس دوران حافظ می‌پردازد، اثر بسیار مهمی در درک مضامین پیچیدهٔ حافظ قلمداد شده است.<sup>(۱)</sup>

بدیهی است این اوضاع در مورد شاعران کلاسیک که از نظر فاصله زمانی از ما دور بوده و منابع چندانی هم در دست نیست که شرح زندگی و زمانهٔ آنها را به طور دقیق ثبت کرده باشد، اهمیت بیشتری دارد. در عین حال نمی‌توان گفت درک بستر اجتماعی و تحولات سیاسی، در فهم شعر شاعران متأخر و معاصر بی‌اهمیت است. با این‌همه، یکی از تفاوت‌های دوره‌های معاصر و کلاسیک آن است که بازتاب سیاسی اوضاع زمانه در شعر معاصر بسیار روشن‌تر و گسترده‌تر از شعر کلاسیک است و شاعران معاصر با صراحت بیشتری مسائل سیاسی زمان را در شعر خود گنجانده‌اند.

وضع هر دوره به لحاظ باز یا بسته بودن فضای سیاسی اثر خود را در روشنی و صراحت جلوه‌های سیاسی شاعران باقی می‌گذارد. برای نمونه جنبه‌های سیاسی در اشعار شاعرانی چون میرزاده عشقی، عارف قزوینی و تا حدی ملک‌الشعرای بهار<sup>(۲)</sup> بسیار آشکارتر از جنبه‌های سیاسی شاعرانی چون احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث بیان شده است.

پروین اعتصامی را اگرچه در زمرهٔ شاعران معاصر برمی‌شمیریم اما در بررسی اشعار و سبک ادبی او، می‌توان وی را ادامهٔ سبک کلاسیک ادبی ایران دانست. این

گرایش ادبی به شیوه شاعران کلاسیک از یک سو و جنسیت و موقعیت او در تحولات اجتماعی و سیاسی زمانه از سوی دیگر سبب شده تا درک جنبه‌های سیاسی شعر پروین بسیار دشوارتر از شاعران هم‌دوره او شود. در این رابطه می‌توان گفت پروین اعتصامی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، بیشتر پیروی شاعران کلاسیک ایران نظیر سعدی و نویسندگان آثار موسوم به نصیحة الملوک بوده تا تحت تأثیر نویسندگان و شاعران متأخر یا هم‌دوره خود. به همین دلیل است که ملک‌الشعراى بهار، پروین را پیرو راستین شاعران خراسان کهن به‌ویژه ناصر خسرو و نیز شاعران عراق و فارس می‌داند.<sup>(۳)</sup> به عبارت دیگر می‌توان گفت تأثیر نگرفتن پروین از شعر شاعران معاصر و پیروی او از شعر و شاعران کلاسیک در برخورد با سیاست، او را به یک استثنا تبدیل کرده است.

#### مقایسه مواضع سیاسی پروین با شاعران کلاسیک و معاصر

با وجود معاصر بودن و در عین حال پیروی از شاعران کلاسیک ایران در بازتاب رویدادها و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه، پروین اعتصامی در پرداختن به مسائل سیاسی یعنی وارد شدن به حوزه کار حکومت و قدرت، هم با شاعران سیاسی‌گوی زمان خود تفاوت دارد و هم با منتقدان کلاسیک شعر ایران و کسانی که شیوه پرداختن به سیاست را از آنها تقلید کرده است.

تفاوت پروین با شاعران معاصر خود در پردازش به مسائل سیاسی و اجتماعی زمان (ایران سال‌های رضا شاه و اوایل دوران محمدرضا شاه پهلوی) این است که هیچ‌گاه با صراحت و شفافیت تمام، خود را درگیر مسائل سیاسی نکرد بلکه با سبک و سیاق خاص، مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را غیرمستقیم از زبان شخصیت مجازی بیان نمود. برای نمونه، در شعر معروف «اشک یتیم» خود را در نقش پیرزن گوژپشت قرار داده و در پاسخ به پرسش کودک یتیم درباره چيستى گوهر تاج پادشاه می‌گوید: «این اشک دیده من و خون دل شماس»<sup>(۴)</sup> به همین ترتیب، در قصیده گفتگوی «پایه و دیوار»، قصر پادشاه، رابطه میان مردم و حکومت را نشان داده و بیان می‌دارد که همه استواری دیوار قصر (حکومت) ناشی از محکم بودن پایه آن (مردم) است. این گفتگوی تمثیلی در واقع سخن مردم به حکومت

است و رساندن این پیام که اساس اقتدار نهاد حکومت، بر مردم استوار است و نه ویژگی‌های خاص حکمرانان.<sup>(۵)</sup>

از تو کار تو پیشرفت نکرد	نکته دیگری در این کار است
همه سنگینی تو روی من است	گر جویی گر هزار خروار است
تو ز من داری این گران سنگی	پیکر بی‌روان سبکبار است

پروین گرچه در بحث اخلاقی و طرح غیرمستقیم مسائل سیاسی پیرو شاعران کلاسیک ایران نظیر سعدی و سیاست‌نویسان است، اما برخلاف آنها در اشعار خود هیچ‌گاه سخن به مدح و ستایش فرمانروایان و بزرگان زمان - آن‌گونه که در اشعار سعدی و دیگران فراوان است -<sup>(۶)</sup> نپرداخته است. دیگر اینکه دیدگاه او به‌طور کلی در برابر حکومت و زمامداران بزرگ و کوچک آن، انتقادی است، حتی در محدود اشعار خود که به طور مستقیم از برخی اقدامات حکومت حمایت کرده، سخنی در مورد ستایش سیاست‌مداران گفته نشده است. تنها شعری که از او در این رابطه مانده، درباره زن و شایستگی‌های او و حمایت از اقدامات انجام‌شده درباره زنان در مقایسه با گذشته است. پروین این تحول را به عنوان یک اقدام اجتماعی و نتیجه شایستگی زنان و نه به عنوان اعتبار حکومت ستوده است.<sup>(۷)</sup>

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود	پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
کس چو زن اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد	کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب	آشکارا بود این بیداد، پنهان نبود
میوه‌های دگه دانش فراوان بود، لیک	بهر زن گویی نصیبی زین فراوانی نبود
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان	در گلستان، نام از این مرغ گلستانی نبود

#### بدبینی همیشگی به حکومت و قدرت

تا آنجا که به نگرش پروین درباره سیاست و حکومت مربوط است می‌توان گفت که او نه تنها در هیچ کجای اشعارش به ستایش حکومت یا اقدامات آنها نپرداخته (و البته این نکته را تا حدی هم می‌توان از جنسیت او و موفقیت زن در اجتماع آن روز در مقایسه با مردان دانست)، بلکه بدبینی شدیدی نیز نسبت به حکومت و مقامات آن داشت. همان‌گونه که اشاره شد برخورد پروین با دستگاه حکومت و نهادهای آن

همیشه انتقادی است. این نگاه انتقادی تا آن اندازه شدید و گاه بدبینانه است که کجروی‌های اجتماعی و انحرافات آن را در اصل نه از عملکرد افراد بزهکار بلکه ناشی از عمل حکومت و مقامات و فساد و تباهی رایج در دستگاه‌های آن می‌داند. او در بسیاری از اشعار خود در مقایسه میان بزهکاران اجتماعی و سیاسی، مقامات سیاسی فاسد را بسیار بدتر از افراد بزهکار عادی می‌داند.

پروین این موضوع را به بهترین شیوه در شعر بلند «دزد و قاضی» بیان می‌دارد. در گفتگوی میان دزد و قاضی، در واقع دیدگاه‌های خود پیرامون ماهیت حکومت و مقامات آن را از زبان دزد و خطاب به قاضی بیان کرده و قاضی را واجد صفاتی چون منافق، راهزن و مردم‌آزار دانسته و می‌گوید:<sup>(۸)</sup>

دزدی پنهان و پیدا کار توست	مال دزدی جمله در انبار توست
تو قلم بر حکم داور می‌بری	من ز دیوار و تراز در می‌بری
می‌زنم گر من ره خلق ای رفیق	در ره شرعی تو قطاع‌الطریق
می‌برم من جامه درویش عور	تو ربا و رشوه می‌گیری به زور
من ربودم موزه و طشت و نمد	تو سیه‌دل، مدرک و حکم و سند

این بدبینی در بهترین شرایط و حتی در حکومت‌هایی که ممکن است زمامداران آنها در زمره مصلحان و نیکان باشد، دیده می‌شود. این نکته به‌ویژه در شعر مشهور «دزد خانه» که زبان حال کسری انوشیروان و شکوه او از نارسایی‌های درونی است، آشکار می‌شود:<sup>(۹)</sup>

حکایت کرد سرهنگی به کسری	که دشمن را ز پشت قلعه راندیم
فراری‌های چابک را گرفتیم	گرفتاران مسکین را رها کردیم
بگفت این خصم را راندیم اما	یکی زو کینه‌جوتر پیش خواندیم
کجا با دزد بیرونی درافتیم	چو دزد خانه را بالا نشانیدیم

با وجود نگرش مثبت پروین به انوشیروان از زبان سرهنگ، اقدامات منفی و ظالمانه حکومت را در حق مردم چنین بیان می‌کند:<sup>(۱۰)</sup>

به خون کُشتگان شمشیر شستیم	به آتش‌های کین آبی فشانیدیم
ز پای مادران کردیم خلخال	سرشک از دیده طفلان چکاندیم

این نکته در اشعار دیگر او به روشنی آشکار می‌شود. با وجود نیک‌اندیشی انوشیروان و اقدامات مثبت او، اقدامات منفی زیادی در زیرساخت‌های حکومت و نهادهای آن صورت می‌گیرد که ممکن است از چشم فرمانروا پنهان مانده باشد. به همین دلیل است که پروین نگرش خود را از زبان بزرگمهر در نامه‌ای به انوشیروان به‌خوبی بیان می‌کند:<sup>(۱۱)</sup>

بزرگمهر به نوشیروان نوشت که خلق	ز شاه خواهش امنیت و رفاه کنند
شهان اگر که به تعمیر مملکت کوشند	چه حاجت است که تعمیر بارگاه کنند
چرا کنند کم از دسترنج مسکینان؟	چرا به مظلّم افزون به مال و جاه کنند؟
چو کج روی تو، نپویند دیگران ره راست	چو یک خطا ز تو بینند، صد گناه کنند
جواب نامه مظلوم را تو خویش فرست	بسا بود که دبیرانت اشتباه کنند

#### برتری عدالت اجتماعی بر آزادی سیاسی

گرچه شعر پروین سراسر آمیخته به مسائل سیاسی و اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به سیاست و حکومت و زمامداران دولت است، اما سیاست در نظر پروین توسعه سیاسی و گسترش عدالت را مد نظر دارد. به این تعبیر می‌توان گفت پروین برخلاف بسیاری از شاعران آزاداندیش هم‌عصر خویش، نه بر «دموکراسی لیبرال» حوزه فعالیت‌های سیاسی حزبی و گروهی، بلکه بر «دموکراسی رادیکال» حوزه اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند. بدین ترتیب می‌توان گفت دموکراسی مورد نظر نظریه‌پردازان لیبرال مکتب پلورالیسم نمود چندانی در شعر پروین ندارد؛ برعکس، دموکراسی رادیکال اندیشمندان نوینی چون جان رالز که عدالت را بر دموکراسی اکثریتی ترجیح می‌دهند،<sup>(۱۲)</sup> بازتاب بیشتری در شعر او پیدا می‌کند. در همین راستا، تأکید بسیار زیاد پروین بر رعایت عدالت از سوی حکومت به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و لزوم مبارزه با فقر و فساد مالی، شایسته توجه است.

پروین در اشعار سیاست‌محور خود، - چه آنها که مستقیم خطاب به زمامداران حکومت و مقامات پایین‌رتبه‌تر آن است و چه آنها که به طور غیرمستقیم از زبان دیگران بر ستم و فقر و فساد مالی تأکید می‌کند - تیره‌بختی فقرا را ناشی از فساد حکومت می‌داند. این تأکید آشکار بر عدالت اجتماعی و به‌ویژه تشویق حکومت و ثروتمندان به تلاش برای فقرزدایی و ایجاد برابری اقتصادی و پرهیز از آزادی‌های

صرف سیاسی و دموکراسی لیبرال، تا اندازه زیادی ناشی از تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان اوست.

همان‌گونه که می‌دانیم جامعه ایران در سال‌های دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۰ جامعه‌ای در حال گداز از عقب‌ماندگی به سمت توسعه اقتصادی بود. وجود توده‌های گسترده فقیر در روستا و شهرهای ایران در آن زمان، هر فرد متفکر غیر سیاسی را در درجه نخست به اندیشه درباره شرایط دشوار اقتصادی مردم می‌انداخت تا مسئله دموکراسی. این نگرش حتی در میان نخبگان سیاسی نیز دیده می‌شد به گونه‌ای که در سال‌های دهه ۱۳۱۰، بیشتر نخبگان سیاسی و فکری ایران به جز نیروهای سوسیالیستی هواخواه شوروی، ضرورت توسعه اقتصادی و پیشرفت زیربنای اجتماعی و اقتصادی ایران را مهم‌تر از توسعه سیاسی می‌دانستند. این مسئله بدون شک بر شعر شاعران آن دوره نیز پرتو می‌افکند.

در سال‌های دهه ۱۳۲۰ که ایران وارد مرحله سیاسی تازه‌ای شد و گرایش‌های سیاسی گوناگون به شکل احزاب و جمعیت‌های سیاسی فعالیت می‌کردند، مسئله نابرابری اقتصادی و فقر و بی‌عدالتی همچنان بر جامعه ایران سایه افکنده بود. هرج و مرج ناشی از اشغال ایران توسط بیگانگان و درگیری‌های گوناگون میان جناح‌های سیاسی سبب می‌شد مسئله فقر و بی‌عدالتی از ذهن اندیشمندان دور نماند. تنها اندیشمندان و ادیبانی که از روح حساس‌تری برخوردار بودند و به دور از غوغای سیاست هرج و مرج گونه آن زمان می‌زیستند، می‌توانستند بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی را گسترده‌تر از پیش مشاهده کنند. بدون شک پروین اعتصامی یکی از همین افراد بود که با بینش عمیق خود مشکلات واقعی مردم را درک می‌کرد و آن را در شعر خود بازتاب می‌داد.

#### چندگانگی در مواضع سیاسی پروین

گرچه شعر پروین سرشار از اشاره‌های سیاسی به بی‌عدالتی اقتصادی و اجتماعی و ظلم و ستم و فساد حکومت و مقامات حکومتی است، اما در یک بررسی جامع می‌توان گفت موضع سیاسی پروین در رابطه با منشأشناسی مشکلات ناشی از بی‌عدالتی یک‌دست نیست و چندگانگی‌های روشنی در آن به چشم می‌خورد. این

چندگانگی را می‌توان در ابعاد زیر مورد بررسی قرار داد:

۱. فقر: مشکل سیاسی یا فضیلت اجتماعی؟

یکی از نکات بسیار مهمی که در رابطه با چندگانگی نگاه سیاسی پروین به مشکلات اقتصادی و اجتماعی به چشم می‌خورد، تناقض آشکار در بررسی پدیده فقر و تنگدستی است. در حالی که وی به‌طور کلی فقر را در بسیاری جاها ناشی از عملکرد بد حکومت و فساد و ناکارایی سیستم سیاسی و حکومت‌ها می‌داند، در جای دیگر شعر خود، از زبان فقرا و تهیدستان وجود فقر را نوعی افتخار و فضیلت برمی‌شمرد. نمونه نخست را می‌توان در بسیاری از اشعار پروین یافت. برای نمونه در شعر «اندوه فقر» دولت را به‌طور مستقیم در وضع نامناسب مقصر دانسته و از زبان پیرزن فقیر خطاب به دوک خود می‌گوید:<sup>(۱۳)</sup>

دولت چه شد که چهره ز درماندگان بتافت      اقبال از چه راه ز بیچارگان رمید؟

همچنین در قصیده «شکایت پیرزن» خطاب به کی‌قباد پادشاه، دولت او را مسئول مستقیم فقر و سیه‌روزی خود و همگان خود می‌داند:<sup>(۱۴)</sup>

سنگینی خراج به ما عرصه تنگ کرد      گندم تو راست حاصل ما غیر کاه نیست  
ویرانه شد ز ظلم تو هر مسکن و دهی      یغماگر است چون تو کسی پادشاه نیست

با وجود اینکه پروین در این اشعار و بسیاری از سروده‌های دیگر، حکومت را مسئول فقر و بی‌عدالتی می‌داند، در جای‌جای دیوان خود به گونه‌ای با مسئله فقر به عنوان فضیلت یا افتخار برخورد می‌کند که گویا وجود آن ضروری و سودمند نیز هست. این نکته در سروده‌های گوناگون او به چشم می‌خورد. یکی از این نمونه‌ها را می‌توان در «پیرمرد و گنج» یافت که در سراسر آن فقر و تنگدستی و نرفتن به سوی ثروت، افتخار و فضیلت قلمداد شده است. پیرمرد فقیر خطاب به گنجی که او را به برداشتن از زیر خاک غار توصیه می‌کند، می‌گوید:<sup>(۱۵)</sup>

ترا بهتر که جوید نامجویی      که ما را نیست در دل آرزویی  
مرا افتادگی آزادگی داد      نیفتاد آنکه مانند من افتاد  
چو ما بستیم دیو از دست      چه غم گر دیو گردون دست ما بست

چو شد هر گنج را ماری نگه دار  
نه من این گنج می‌خواهم نه آن مار  
چو زر گردید اندر خانه بسیار  
گهی دزد از در آید گه ز دیوار

همین نوع موضع‌گیری و نگاه به مسئله فقر به عنوان یک فضیلت و مایه افتخار، در قصیده «جامه عرفان» نیز به چشم می‌خورد. درحالی‌که پروین در بسیاری از اشعار خود بزرگان و ثروتمندان را به بخشش و رسیدگی به کار فقرا و تهیدستان تشویق می‌کند، در این شعر از زبان درویش، خطاب به ثروتمندی که جامه ارزنده به او می‌دهد و در پاسخ به پرسش او که:<sup>(۱۶)</sup>

چرا بر خویش پیچی ژنده و دلخ  
چو می‌بخشند کفش و جامه‌ات خلق؟

می‌گوید:<sup>(۱۷)</sup>

تن خاکی به پیراهن نبرزد  
وگر ارزد به چشم من نبرزد  
چو من پروانه‌ام نور خدا را  
کجا با خود کشم کفش و قبا را  
کلاه و جامه چون بسیار گردد  
کله عجب و قبا پندار گردد

شاید بتوان ریشه این تضاد دیدگاه‌ها در نگاه پروین را ناشی از این واقعیت دانست که او در عین اینکه فرزند زمانه خود است و از گرایش‌های سیاسی رایج رادیکال ضد طبقاتی آن دوران تأثیر می‌پذیرد، اما تأثیر او از ادبیات و میراث ادبی ایران و به‌ویژه ادبیات عرفانی و تصوف که فقر و قناعت و کالاهای معنوی را در برابر ثروت و اسراف و مادیات ارج می‌گذارد، بسیار بیشتر است.

## ۲. سطح تحلیل در منشأ بی‌عدالتی

یکی دیگر از نمونه‌های چندگانگی موضع سیاسی پروین در اشعار او، در ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی به‌ویژه بی‌عدالتی مربوط به فقر و تهیدستی است. پروین در این رابطه موضع واحدی ندارد و در سراسر اشعار خود سطح تحلیل خود را از کلان به میانه و خرد تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، او گاه حکومت را در عالی‌ترین سطح (کلان) مسئول مشکلات ناشی از بی‌عدالتی می‌داند. برای نمونه در سروده «گنج ایمن» از زبان فرد حکیم، کودکی را که از گل برای خود تاج درست کرده نصیحت می‌کند و پادشاهی را منشأ همه مشکلات می‌داند:<sup>(۱۸)</sup>

تو مال خلق خدا را نکرده‌ای تاج  
 شهود محکمه پادشاه دیوانند  
 غذا و آتشت از خون و اشک آهی نیست  
 ولی به محضر تو غیر حق گواهی نیست

به همین ترتیب در اشعار دیگر خود نظیر «اشک یتیم» یا «شکایت پیرزن»، عالی‌ترین مقام سیاسی یعنی پادشاه را مقصر مشکلات اجتماعی می‌داند.

اما در برخی سروده‌های او مقامات سطح میانی حکومت مسئول تباهی و فساد مشکلات اجتماعی قلمداد می‌شوند. در این میان می‌توان به بسیاری از دارندگان مقامات میانی سیاست نظیر والی‌ها، قضات، حکام شرع، محتسب‌ها، شحنه‌ها و نظایر آنها اشاره کرد.

سروده‌های «دزد و قاضی» و «مست و هوشیار» و «صاعقه ما ستم اغنیاست»، بهترین نمونه‌های این موضع‌گیری و تمرکز بر مقامات سطح میانی حکومت به عنوان مقصران اصلی دردهای اجتماعی است.

سرانجام در سروده‌های دیگری، نه حکومت و نهادهای سیاسی، بلکه جامعه به عنوان کل و طبقات مرفه و ثروتمندان و زراندوزان را مسئول مشکلات دانسته و مورد ملامت قرار می‌دهد. یک نمونه این نوع موضع‌گیری را می‌توان در شعر «بی پدر» دید که از زبان دختری یتیم، اجتماع و اقشار مرفه اجتماعی، مسئول مرگ پدر و تهیدستی او قلمداد می‌شوند:<sup>(۱۹)</sup>

پدرم مُرد ز بی‌دارویی  
 دل مسکینم از این غم بگداخت  
 که طیبیش به بالین نشافت  
 سوی همسایه بی نان رفتم  
 تا مرا دید در خانه بیست  
 همه دیدند که افتاده ز پای  
 وندر این کوی سه داروگر هست  
 لیک روزی نگرفتندش دست

همین موضع‌گیری در سرود مشهور «صاعقه ما ستم اغنیاست» نیز به‌خوبی دیده می‌شود. پسری در پاسخ به پند پدر که او را به در پیش گرفتن پیشه خود توصیه می‌کند می‌گوید:<sup>(۲۰)</sup>

گفت چنین، کای پدر نیک‌رأی  
 پیشه آنان همه آرام و خواب  
 صاعقه ما ستم اغنیاست  
 قسمت ما درد و غم و ابتلاست

شاید این تغییر سطح تحلیل از کلان به میانه و خُرد در شعر پروین از نظر برخی‌ها

یک نکته منفی قلمداد شود. اما می‌توان گفت او دیدگاه بسیار واقع‌بینانه‌تری در مقایسه با نگاه برخی نویسندگان و تحلیلگران سیاسی به دست می‌دهد که همه مشکلات را صرفاً ناشی از سیستم سیاسی و مقامات عالی‌رتبه حکومت می‌داند. فقر و تهیدستی و بی‌عدالتی اجتماعی در آن روزگار تنها ناشی از عملکرد مقامات بالای حکومتی نبود بلکه در سطوح پایین‌تر نخبگان، به‌ویژه در مناطق روستایی و شهری، ناشی از وجود نظام اجتماعی مبتنی بر زمینداری و ارباب و رعیتی بود.

### ۳. از رادیکالیسم تا میانه‌روی

یکی از وجوه دیگر چندگانگی مواضع سیاسی پروین را می‌توان در تفاوت میان دیدگاه‌های رادیکال و معتدل او در برخورد با حکومت و زمامداران سیاسی دانست. درحالی‌که گاه پروین از زبان قهرمانان خود عالی‌ترین مقامات حکومتی را مقصر تمامی مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌داند و به نوعی مشوق رادیکالیسم و اقدامات قهرآمیز از سوی آنهاست، در موارد دیگر شیوه معتدل‌تری در پیش گرفته و همانند برخی شاعران و نویسندگان کلاسیک ایران، از راه نصیحت و پند به سیاست‌مداران، آنها را به وجود مشکلات و رفع آنها تشویق می‌کند.

یکی از نمونه‌های آشکار رادیکالیسم سیاسی در شعر پروین را می‌توان در شعر «ای رنجبر» شناخت. در این شعر پروین نه از زبان بازیگران گوناگون شعر خود بلکه به طور مستقیم خطاب به رنجبران (واژه رادیکالی که بیشتر در ادبیات گروه‌های چپ آن زمان نظیر حزب توده دیده می‌شد) می‌گوید:

ریختن از بهر نان از چهر آب ای رنجبر	تا به کی جان‌کندن اندر آفتاب ای رنجبر
چند می‌ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر	از حقوق پایمال خویش کن پرسشی
وندران خون دست‌وپایی کن خضاب ای رنجبر	جمله آنان را که چون زالو مکنند، خون بریز

با این همه پروین در جای دیگری از سروده‌هایش، از زبان قهرمانان شعر خود، روش اعتدال و سخن غیرمستقیم و پندآموزی را برای اصلاح عملکرد حکومت و مقامات آن به کار می‌گیرد. این کار همانند بسیاری از شاعران کلاسیک با زبانی خیرخواهانه خطاب به پادشاهان و امرای بلندپایه صورت می‌گیرد. پروین این شیوه را به‌ویژه در

شعر «نامه بزرگمهر به انوشیروان» به طور مستقیم و در سروده «پایه دیوار» قصر پادشاه به طور غیرمستقیم به کار گرفته است.

#### تأثیر بستر اجتماعی و زندگی خصوصی

شعر پروین به طور عام و جنبه‌های سیاسی شعر او به طور خاص، آینه تمام‌نمای بستر اجتماعی و شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه خود او یعنی ایران در حال گذار است. در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۰، ایران از یک جامعه توسعه‌نیافته به سوی یک کشور در حال توسعه حرکت می‌کرد. بدیهی است چنین تحول بزرگی، تغییر و تحولات مهمی را در زندگی مردم ایران به وجود می‌آورد. یکی از این تحولات عمده که پیش از این در جوامع اروپایی نیز روی داده بود، گذار از فضیلت‌گرایی به سوی پویایی اجتماعی و عقلانیت رفاهی و اقتصادی بود که خود بخشی از فرایند گذار از سنت به مدرنیسم به شمار می‌آمد. در جریان همین گذار بود که فضیلت‌گرایی همراه تحمل فقر و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی، جای خود را به پویایی سیاسی و اجتماعی برای بهبود زندگی اقتصادی و تحقق عدالت می‌داد. بدون شک، دوگانگی شعر پروین در رابطه با فقر که گاه آن را افتخار و فضیلت دانسته و گاه ناشی از عملکرد حکومت و جامعه، تحت تأثیر همین گذار قرار داشته است. تحولات دهه ۱۳۲۰ و رشد احزاب و جریان‌های سیاسی که بر عدالت اجتماعی تأکید کردند، در شعر پروین اعتصامی به شکل اعتراض به نابرابری اقتصادی بازتاب یافته است.

استثنایی بودن پروین در میان شاعران زن ایران معاصر نیز تا اندازه زیادی از زندگی شخصی و خصوصی و خانوادگی خود او ریشه می‌گرفته تا محیط اجتماعی. پُررنگ بودن مسائل غیرمستقیم سیاسی در شعر پروین در مقایسه با شاعرانی چون فروغ فرخزاد<sup>(۳۱)</sup> یا سیمین بهبهانی<sup>(۳۲)</sup> که شعرهای عاشقانه و رمانتیک فراوانی در لابه‌لای آثار آنها به چشم می‌خورد، از همین روست. در شعر پروین کمتر اثری از مسائل احساسی به چشم می‌خورد و حوزه خصوصی شعر او نیز آمیخته به تنهایی و اندوه و رنج است. این موضوع را می‌توان در سروده معروفی که شرح دوران غم‌انگیز زناشویی اوست دید:<sup>(۳۳)</sup>

ای گل ز تو جمعیت گلزار چه دیدی  
جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی؟  
ای لعل دل افروز، تو با این همه پرتو  
جز مشتری سفته به بازار چه دیدی؟  
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت  
غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی؟

این وضعیت دشوار شخصی را می‌توان در قطعه‌ای که برای مرگ پدر خود سروده است نیز مشاهده کرد:

پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل  
تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من  
قطعه‌ای که پروین آن را برای سنگ مزار خود سروده است نیز به زندگی اندوه‌بار شخصی وی اشاره می‌کند:<sup>(۳۴)</sup>

اینکه خاک سپهش بالین است  
گرچه جز تلخی ز ایام ندید  
اختر چرخ ادب پروین است  
هرچه‌خواهی سخنش شیرین است

### نتیجه‌گیری

بی‌گمان هر اندیشه‌ای دارای بستر اجتماعی و زمینه‌های شکل‌دهنده خاص خود است. این موضوع به‌ویژه در رابطه با شعر شاعران اهمیت می‌یابد و ما را در شناخت نه‌تنها زمانه بلکه در شناخت خود آنها و معانی نهفته در شعرشان رهنمون می‌کند. این مسئله در مورد پروین اعتصامی نیز همانند بسیاری از شاعران معاصر و کلاسیک ایران صادق است. با این همه، بستر اجتماعی به‌تنهایی تعیین‌کننده جهت شعر پروین و ماهیت و معنی مضامین نهفته در آن نیست. او تا حد زیادی تحت تأثیر میراث به‌جای‌مانده از ادبیات کلاسیک فارسی است. اما این نکته‌ای است که ما تنها از کنکاش در شعر پروین بدان رسیده‌ایم. بدیهی است این کار برای شناخت کامل انگیزه‌ها و مواضع اجتماعی و سیاسی او کافی نیست. در این زمینه علاوه بر تجزیه و تحلیل محتوای شعر او، روش‌های دیگر جمع‌آوری داده‌ها درباره او و انگیزه‌هایش نظیر مصاحبه با نزدیکان، همراهان و همکاران و کسانی که آشنایی بیشتری با او و زندگی‌اش داشته‌اند نیز ضروری است.

علاوه بر این، شناخت زمانه نیز از راه کنکاش در شعر شاعران دارای اهمیت بسیار والایی است. این نکته به‌ویژه در رابطه با شعر شاعران کهن ایران اهمیت دارد. از آنجاکه آثار چندانی درباره اوضاع زمانه و به‌ویژه افکار عمومی مردمان ایران در

این دوران‌ها در دست نیست و نمی‌توان داورِ درستی دربارهٔ مسائل مهمی چون گرایش‌های عمومی مردم دربارهٔ هویت ملی و جامعه خود داشت، رجوع به یکی از عمده‌ترین آثار مکتوبِ باقی‌مانده از زمانه‌های دور، یعنی شعر شاعران، می‌تواند ما را در این هدف یاری کند. ❁

### پی‌نوشت‌ها

۱. عبدالحسین، زرین کوب، از کوچه زندان: درباره زندگی و اندیشه حافظ، (تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۹).
۲. یحیی، آرین پور، از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، (تهران: سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۰).
۳. جعفر ابراهیمی و دیگران، هزار سال شعر پارسی، (تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶)، ص ۴۰۰.
۴. پروین، اعتصامی، دیوان پروین اعتصامی، به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، (تهران: نشر محمد، ۱۳۷۰)، ص ۱۴.
۵. همان، ص ۴۸.
۶. مصلح‌الدین، سعدی، کلیات سعدی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، (تهران: انتشارات دبستان، ۱۳۸۳)، صص ۷۰۵-۶۴۷.
۷. اعتصامی، پیشین، صص ۱۳۰-۱۲۹.
۸. همان، ص ۹۲.
۹. همان، ص ۹۰.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۲۸۸.
۱۲. جان، رالز، نظریه عدالت، مترجمان: سید محمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی، (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷).
۱۳. همان، ص ۲۰.
۱۴. همان، ص ۱۵۲.
۱۵. همان، صص ۴۱-۴۰.
۱۶. همان، ص ۶۱-۶۰.
۱۷. همان، ص ۲۵۲-۲۴۳.
۱۸. همان، صص ۲۵۳-۲۵۲.
۱۹. همان، ص ۴۲.
۲۰. همان.
۲۱. فروغ فرخزاد، جاودانه: مجموعه شعرها و نوشته‌ها و گفتگوهای فروغ فرخزاد؛ به انضمام نوشته‌هایی درباره فروغ، (تهران: انتشارات تنویر، ۱۳۷۸).

۲۲. سیمین بهبانی، از سال‌های آب و سراب: منتخب هفت دفتر شعر ۱۳۲۵-۱۳۷۶،  
(تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۷).
۲۳. هادی، قضایی، زندگینامه نویسندگان و شاعران از رودکی تا دولت‌آبادی، (تهران:  
انتشارات بهزاد، ۱۳۸۶)
۲۴. همان، ص ۴۵۲.